

تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرزها

محمد رضا حافظنیا^{۱*}، محسن جانپرور^۲، پیروز مجتبهدزاده^۳

- ۱- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۷/۳/۱۶ پذیرش: ۸۷/۹/۱۶

چکیده

مرز یکی از مفاهیم اساسی و مهم در جغرافیای سیاسی است؛ اما امروزه بحث‌های زیادی درباره از میان رفتن و بی‌اهمیت شدن مرز در عصر جهانی شدن وجود دارد. بحث درباره جهانی شدن و تأثیر آن بر مرزها آن‌چنان گسترش یافته است که در باور برخی صاحب‌نظران بهویژه علوم اجتماعی چنین جلوه می‌کند که با توجه به پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، دیری نخواهد گذشت که خانواده بشری شاهد از میان رفتن جدایی‌های مرزی و سرزمینی و هویتی خواهد بود و جهان سیاسی در عمل به «دهکده» ای یکدست تبدیل خواهد شد. این تحقیق با رویکرد جغرافیای سیاسی سعی دارد تا تأثیر فرایند جهانی شدن را بر ماهیت مرزها بررسی کند. به این معنا که شکل‌گیری جنبه‌های مختلف جهانی شدن اگرچه باعث تحولات زیادی در ابعاد مختلف شده است، این تحولات نتوانسته ماهیت مرزها را تحت تأثیر قرار دهد. استدلال اصلی تحقیق این است که ماهیت مرز با توجه به فرایند جهانی شدن، تحت تأثیر قرار نگرفته است. در این‌باره این باور وجود دارد که از ابتدا جهان خلقت براساس تفاوت و نیز دیدگاه و منافع متفاوت انسان‌ها بنا شده است و تا زمانی که انسان وجود دارد مرزها نیز وجود خواهند داشت و جهانی شدن و گسترش ارتباطات وغیره، جایگاه و نقش مرزها را در زندگی اشتراکی انسان‌ها از بین نمی‌برد.

واژه‌های کلیدی: ماهیت مرز، جهانی شدن، جغرافیای سیاسی.



۱- مقدمه

گذار از دورانی سیاسی به دوران سیاسی دیگر، گذاری است تاریخی که تعریف‌های ویژه‌ای را در جنبه‌های مختلف می‌طلبد. در این گذر جهان به مرحله جدیدی از تاریخ خود گام نهاده است. پایان سده بیستم با پدیده جهانی شدن مشخص می‌شود و از نشانه‌های این پدیده، اوج گیری در حد انفجار همه‌ نوع جریان‌ها و تأثیر هر نوع حرکت بر همه نقاط کره زمین است (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۵-۱۰۴). این گذر و روند، تقریباً از دهه ۱۹۶۰ با تغییرات مهمی که در جهان روی داده شروع شده است و واژه «جهانی شدن» خصوصیات این تغییر را به خوبی بیان می‌کند. واژه جهانی شدن در اینجا به فرایندهای اشاره دارد که در آن‌ها روابط اجتماعی از قلمرو جغرافیایی جدا می‌شوند؛ به گونه‌ای که انسان‌ها گویی به صورت فرایندهای در جهان به عنوان یک مکان واحد زندگی می‌کنند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۸). اما آنچه امروز در عمل دیده می‌شود این است که هم‌زمان با گسترش سریع ارتباطات و مبادله اطلاعات و همگام با جهانی شدن نظام اقتصادی بازار آزاد و اقتصادی شدن نظام جهانی و هم‌زمان با فزونی گرفتن گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی، آرمان‌های کشورگرایی و استقلال خواهی‌های مبتنی بر هویت ملی جداگانه و مستقل و متمایز از دیگران نیز به سرعت گسترش می‌یابد. این تحول واکنش طبیعی و ذاتی گروه انسانی برای جدا و متمایز بودن از دیگران در برابر سرعت گرفتن یکپارچگی اقتصادی و اطلاعاتی جهان ژئوپلیتیک است.

با توجه به این دگرگونی‌ها، آنچه آشکار می‌نماید این واقعیت است که اگرچه جهان سیاسی به سوی یکپارچگی اطلاعاتی پیش می‌رود و اگرچه این روند ممکن است به واقعیت یافتن «دهکده جهانی ارتباطات و اطلاعات» منجر شود، «دهکده جهانی سیاسی» و یکپارچه شدن ملل جهان در یک نظام سیاسی هرگز واقعیت پیدا نخواهد کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۰). با توجه به اینکه ماهیت مرز از وجود انسان مایه می‌گیرد و در اشکال متفاوت بروز می‌کند و وجود انسان را بدون وجود مرزهایی که او را از دیگری و مکان زندگی او را از مکان‌های دیگر و... جدا می‌کند نمی‌توان تصور کرد؛ بنابراین در هر سطحی - فردی تا سطح یک کشور و حتی فراتر از آن - وجود مرزها برای تمایز از دیگری

برای احساس برتر بودن کسب منافع و... الزامی خواهد بود. البته، این مرزبندی‌ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی و تحت تأثیر عوامل متفاوت شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. جهانی شدن به عنوان یکی از عوامل برجسته دهه اخیر، مرزها را به صورت‌های متفاوت تحت تأثیر قرار داده و باعث شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت و متضاد در بین صاحب‌نظران رشته‌های علوم اجتماعی و... شده است. این در حالی است که مرز یکی از مباحث اصلی جغرافیای سیاسی است و این رشته می‌تواند بهترین استدلال‌ها را در این زمینه با توجه به بحث جهانی شدن ارائه دهد. بنابراین، در این تحقیق از دیدگاه جغرافیای سیاسی تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرز بررسی شده است.

۲- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی- تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین نوشتار علمی- جغرافیایی- سیاسی در تبیین تأثیر فرایند جهانی شدن بر مرز به شمار می‌آید. سؤال اصلی تحقیق نیز این است: آیا فرایند جهانی شدن بر ماهیت مرز تأثیری داشته است؟

۳- مفاهیم تحقیق

۱- مرز

انسان برای مشخص کردن محیط پیرامون خود به گونه‌ای که با گستره فعالیت همسایگان تداخل نداشته باشد، ناچار از تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. نوع گسترنش بافتۀ این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌کند و جنبه سیاسی دارد و «مرز» خوانده می‌شود (همان، ۴۰). خطوط مرزی از نشانه‌های تفکیک دولت‌های جدید است که با خط باریک و نازکی دو دولت را از هم جدا می‌کند و قلمرو رسمی اعمال اراده سیاسی آن‌ها را نشان می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۳۰۰).



۲-۳-جهانی شدن

«جهانی شدن» را باید مهم‌ترین پدیده‌ای دانست که زندگی انسان را در عصر حاضر تحت تأثیر قرار داده است. این واژه اولین بار در سال ۱۹۶۱ م در فرهنگ ویستر به کار گرفته شد و به عنوان پدیده‌ای علمی از اوایل دهه نود میلادی مورد توجه جدی پژوهشگران قرار گرفت. امروزه، جامعه علمی با سیل نوشتارها و گردآمایی‌های گوناگونی در مورد جهانی شدن رو به رو است و پژوهشگران از حوزه‌های علمی کاملاً متفاوت با پیروی از مکاتب علمی، سیاسی، ایدئولوژیکی و فلسفی گوناگون به تعریف و توصیف جهانی شدن می‌پردازند (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۴۷). با وجود این، بین دانشمندان بر سر تعریف دقیق جهانی شدن یا تأثیر آن بر زندگی و رفتار انسان‌ها هیچ اتفاق نظری وجود ندارد. برخی دانشمندان کوشیده‌اند جهانی شدن را به عنوان مفهومی اقتصادی تعریف کنند؛ در حالی که جمعی دیگر به تبیین این مفهوم در چارچوب کل تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی اخیر پرداخته‌اند (مالک، ۱۳۸۲: ۲۵). با وجود تعریف‌های مختلف جهانی شدن، از هر دیدگاهی به جهانی شدن نگریسته شود، نشان‌دهنده نوعی دگرگونی و تحول در نظام جهانی است.

۴- مباحث نظری تحقیق

ماهیت مرز

تفاوت در خصیصه‌های موجودات، اساس خلقت را تشکیل می‌دهد و نظام خلقت بشر بر تفاوت نهاده شده است. بنابراین، تفاوت در بطن خود جدایی، تفکیک و مرز را به همراه دارد. ژان گاتمن جدایی‌های سیاسی را در گروه‌های انسانی بررسی کرده است. او حرکتی «معنوی» را در محیط انسانی شناسایی کرده است که با ظرافت، افراد را در یک گروه انسانی گرد می‌آورد و آنان را از دیگر گروه‌ها جدا و به ملت یکپارچه تبدیل می‌کند. او در تشریح این نیرو می‌گوید:

جداگانه بودن نسبت به محیط دیگران و سریلند بودن از ویژگی‌های خود از نمودهای ذاتی هر گروه انسانی است... برای جداگانه بودن نسبت به محیط دیگران، یک منطقه نیازمند یک کوه یا یک دره، یک زبان ویژه یا یک مهارت خاص نیست؛ برای چنین هدفی یک منطقه

اساساً نیازمند یک باور استوار بر پایه اعقدادی دینی، برخی دیدگاه‌های ویژه اجتماعی و جلوه‌هایی از خاطرات سیاسی است و اغلب به آمیخته‌ای از این هرسه نیاز دارد... (مجتبه‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

نیازهای طبیعی انسان‌ها به منابع موجود در محیط اطراف باعث شده است تا انسان از ابتدای پیدایش خود و تشکیل اقوام و زندگی گروهی، محدوده معینی را برای خود مشخص کند و از آن محدوده در مقابل بهره‌برداری، نفوذ و دخالت سایر افراد جلوگیری و در صورت لزوم، به طور دسته‌جمعی از حریم خود دفاع کند (خطابی، ۱۳۷۴: ۲). برای فهم بهتر ماهیت و محتوای مرزاها به بررسی چند تعریف از آن می‌پردازیم.

درایسلر و بلیک: «مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان و انتقال کالا مانع ایجاد می‌کند.» (۱۳۷۴: ۱۰۱).

دره میرحیدر: «خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحديد یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند.» (۱۳۸۰: ۱۶۱).

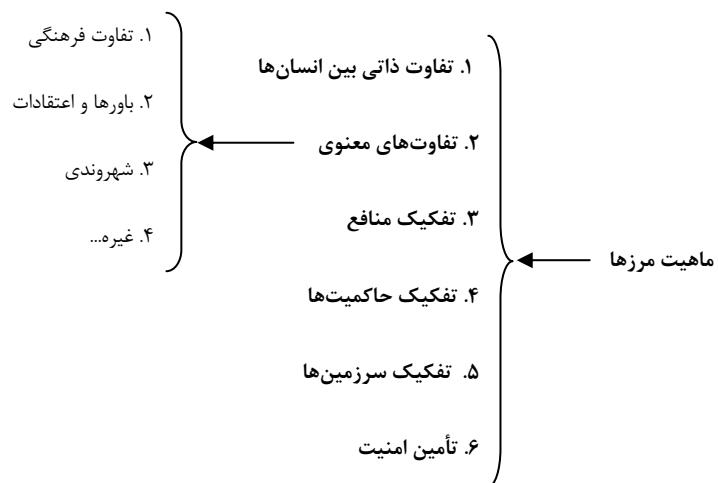
معتمدنژاد: «منشأ ایجاد مرزاها، تفکیک قلمرو سیاسی ممالک مختلف است؛ زیرا مرزاها بیش از آنکه مشخص‌کننده محیط طبیعی باشند تمایز‌کننده حاکمیت ملل هستند.» (۱۳۴۷: ۸۰).

محمد رضا حافظنیا: «مرزاها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشكل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است.» (۱۳۸۵: ۶۹).

مروری بر این تعریف‌ها نشان می‌دهد در عین کثرت و تنوع تعریف‌ها و تعبیرها، ماهیت مرز واحد است. اما هریک از تعریف‌ها دارای جنبه‌های مختلفی است که براساس زمینه فکری و برداشت علمی تعریف‌کننده، برای بیان حقیقت و به منظور انطباق آن با کارکردها و مسائل مختلف مورد توجه آن‌ها تفسیر و تعبیر شده است (ر.ک. شکل زیر) (رحمتی‌زاد، ۱۳۷۴: ۸).



ماهیت فلسفی مرزها



۵- یافته‌های تحقیق

۱- تفاوت ذاتی انسان‌ها

تفاوت در ویژگی‌ها و صفات موجودات اساس خلقت را تشکیل می‌دهد و نظام خلقت بشر بر تفاوت نهاده شده است. همچنان‌که واضح است، نیاز ذاتی مردم این است که برای اطمینان از احساس امنیت و به دست آوردن استقلال عمل، در فضایی محدودشده زندگی کنند. براساس این باور، نمی‌توان زندگی در سرزمین بدون مرز را تصور کرد؛ حتی اگر آن‌ها مانند پوسته نفوذپذیر باشند. همچنان‌که روان‌شناسی محیطی بر این باور است که این پدیده یک اصل در وجود انسان است: هر شخص دارای فضاهای شخصی متفاوتی است که به‌وسیله اقدامات، فضای مسکونی، فضای فعالیتی و... تعریف می‌شود و هر کدام یک قلمرو را شکل می‌دهد. بنابراین مرزها بنایی هستند که با درک (احساس) انسان درباره فضایی مجاور درست می‌شوند. از سوی دیگر، هیچ‌کس تردیدی ندارد که مرزها به‌طور اساسی آفریده‌های انسانی

هستند. مردم هستند که اختلافات را درک کرده، مرزها را برقرار می‌کنند (Rumley & Minghi, 1991: 44-45).

۲-۵- تفاوت‌های معنوی (فرهنگ، باورها و اعتقادات، شهروندی و ...)

تعریف فرهنگ، مسئله تعریف مرزهای است که اساساً سیاسی‌اند؛ مرزهای سرکوب و دفاع در برابر سرکوب (والرشتاین، ۱۳۸۴: ۲۷۱). اینکه فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی همسان‌ساز است، هیچ‌گاه به معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنازعی ندارند. همسان‌سازی انسان‌هایی خودخواه، منفعت‌طلب و بی‌گذشت بار می‌آورد که تنها به خود و گروهشان می‌اندیشند. این خودمختاری با ایده جهان‌گرایی ناسازگار است. به‌نظر می‌رسد علت و سرمنشأ رشد انفعجارگونه ملیت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی‌شدن را به چالش می‌خواند، همین امر باشد.

به‌طور کلی، روابط اکولوژیکی انسان با مکان و فضا که به زبان ساده از آن به «حق‌آب و گل» تعبیر می‌شود، از حق روابط مادی با مکان فراتر رفته است. انسان با مکان و فضا روابط عاطفی برقرار کرده و مهر مکان در دلش جای‌گیر شده است و مکان برای او ارزش و قداست معنوی یافته است. این گونه روابط مبنای فلسفی قدرتمندی برای پدیدار شدن سلسله‌ای از حقوق تابعیت، شهروندی و نقش‌آفرینی سیاسی انسان در فرایندی دموکراتیک است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۷۴). کامیلری و فالک در این‌باره می‌نویسند:

مرزها در مرکز گفتمان مربوط به حاکمیت قرار دارند. بحث تنها مربوط به مرزهای مشخص و مرئی (فیزیکی) نمی‌شود که یک کشور مستقل و حاکم را از دیگری جدا می‌سازد؛ مرزهای فرهنگی نیز وجود دارند که جداکننده «خودی» از «دیگری» هستند، و مرزهای مفهومی که مسائل داخلی را از بین‌المللی، نظام را از بین‌نظمی و جهانی را از انحصار متمایز می‌سازند. همه این نوع مرزها در کانون گفتمان قرار دارند (Camilleri & Falk, 1992: 237).

با توجه به آنچه گفته شد، نبود موانع در عبور مرور، اقامت در کشور دیگر و توانایی سخن گفتن به زبان آن کشور باعث از بین رفتن تفاوت‌های معنوی بین فرهنگ‌ها، باورها



و اعتقادات آن‌ها نمی‌شود و این تفاوت‌های معنوی همچنان در بین آن‌ها پایدار باقی می‌ماند.

۵-۳- تفکیک منافع

با اینکه جهانی شدن اقتصادی بیش از جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن فرهنگی و نهادها، مورد توجه دولت‌ها بوده و نیز گفته شده است که جهانی شدن و رشد اقتصادی متراکم یکدیگرند، هنوز نه تنها از روند قطبی شدن کم نشده؛ بلکه حتی از دهه‌های هشتاد و نود میلادی بیشتر هم شده است. در عین حال شکاف طبقاتی بین شمال و جنوب نیز افزایش یافته است (کامران و کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۴۱). براساس این می‌توان گفت همچون گذشته، تصمیم‌های امروز کشورها مبنی است بر محاسبات و تخمین‌های آنان از منافع ملی، و میزان قدرت و نفوذی که جهت دست‌یابی به آن اهداف موردنیاز است (باربر و اسمیت، ۱۳۸۱: ۷۳)؛ به گونه‌ای که اگرچه شرکت‌های تجاری منطقه‌ای موانع تجاری را تا حد تجارت میان اعضای خود حذف کرده و یا کاهش داده‌اند، این شرکت‌ها موانع تعریفه‌ای جدیدی را در برابر افراد غیرعضو برافراشته‌اند. شاید مهم‌ترین متخلف علیه اصل تجارت آزاد، ژاپن باشد که با استفاده از تعرفه و سهمیه و با پایین آوردن ارزش‌ین، میزان بالای صادرات خود را با سیاست حمایت از صنایع در برابر کالاهای وارداتی رقابتی تلفیق کرده است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۸۵). در بررسی مرز بین ایالات متحده و کانادا، جنت کگلوسکی^۱ با توجه به جنبه اقتصادی جهانی شدن به این نتیجه می‌رسد که با وجود شواهدی مبنی بر اینکه اقتصاد آمریکا در حال بازشدن است، پژوهش تجربی اخیر نشان می‌دهد مرز بین ایالات متحده و کانادا بر جریان تجارت و قیمت‌های نسبی دوطرفه تأثیر بسیار گسترده‌ای دارد. آزادی نسبی داده شده در مرز کانادا و ایالات متحده، نسبت به بازار تولیدات در ایالات متحده و دیگر کشورها ناممکن است. این موضوع با ملتی که هم‌اکنون جهانی شدن را به لحاظ اقتصادی در راستای بی‌معنایی مرزهای ملی ارائه می‌کند، تناقض دارد. اما بر مبنای شواهد داده‌های اخیر، معلوم نیست آیا فشارهای اقتصادی مرزها در حقیقت کمتر از گذشته است؟ همچنین دلایل تأثیرات ذاتی مرزها هنوز

1- Janet Ceglowski

کاملاً قابل درک نیست. در نتیجه درست به نظر نمی‌رسد که فکر کنیم پیشرفت‌های اخیر در ارتباطات مانند اینترنت، مرزهای اقتصادی بین ملت‌ها را کاهش می‌دهد. هرچند تأثیرات مرزها فراسوی فشارهای اقتصادی، فاصله جغرافیایی و تعرفه‌های تجاری رسمی ظاهر شده است و توسعه می‌یابد. ضمن اینکه فقط آزاد کردن تجارت یا کاهش قیمت‌های حمل و نقل بین بازارهای ملت‌ها نمی‌تواند دلیل کافی برای ناپدید شدن مرزها باشد (Cegloweski, 1998: 25-6).

۴-۵- تفکیک سرزمین‌ها

مرزها و ایجاد سرزمین دو روی یک سکه‌اند که محدوده‌های فضایی هویت را بازسازی می‌کنند و آن‌ها و آنجا را در مقابل ما یا اینجا شکل می‌دهند (Paasi, 1996: 27-8). با توجه به فرایند جهانی شدن شاهد پدید آمدن مباحثی چون قلمروزدایی شدن^۱ (سرزمین‌زدایی شدن) هستیم؛ به این معنا که سرزمین‌ها اعتبار و اهمیت خود را برای افراد و ملت‌ها از دست می‌دهند. اما باید توجه داشت کشمکش‌های سرزمینی و قومی در دنیای جهانی شده هنوز هم وجود دارد. همچنین بعضی از آن‌ها در کناره مرزها جایی که استدلال‌های قلمروزدایی شدن و جهانی شدن تمرکز دارد، به وجود آمده‌اند. برای مثال، می‌توان به کشمکش‌ها در قبرس، بالکان و اسرائیل- فلسطین اشاره کرد (Newman, 1999: 10). بر اساس این می‌توان گفت حسن سرزمین‌خواهی در بین افراد به شکل متمایز دانستن خود و سرزمین خود از دیگری وجود دارد و مرزهای مختلفی برای تعیین حدود آن می‌کشند. موضوع قلمروزدایی شدن به وسیله جهانی شدن مورد تردید قرار می‌گیرد (والنز، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

۵- تفکیک حاکمیت‌ها

مرز به‌نهایی دارای یک نقش است و آن تحدید منطقه‌ای است که داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود. اما دولتها سعی می‌کنند نقش‌های دیگری هم مثل مهاجرت، تجارت، بهداشت و... را در منطقه اعمال کنند (پرسکات، ۱۳۵۶: ۱۱). مثال زیر در اتحادیه اروپا که نوعی

1- Deterritorialization



تضعیف مرزها در آن صورت گرفته است، وجود گونه جدید اعمال حاکمیت را در آنجا ثابت می‌کند:

ریزش مرزها باعث نظارت نکردن دقیق رفت و آمد در سرزمین‌های جغرافیایی کشورهای عضو خواهد بود که بعد از این برای قدرت سیاسی و به‌ویژه برای مدعیان نوع جدیدی از بازرسی مرزها را به ارمغان خواهد آورد. حاکمیت در محدوده جغرافیایی هر کشوری به دعاوی حقوقی مربوط است. بازرسی و نظارت بر رفت و آمد در مرزها به‌وسیله نوعی انفورماتیک به نام «سیستم انفورماتیک شنگن^۱» انجام می‌شود که دارای دستگاه مرکزی اطلاعاتی دوجانبه و لحظه‌ای بین پلیس مرزی کشورهای عضو است. مرکز اصلی این سیستم در شهر مرزی استراسبورگ در فرانسه است (فوشه، ۱۳۸۵: ۹۲). داخل خاک فرانسه تا شعاع بیست کیلومتری مرزهای داخلی، بازرسی‌های غیرمنتظره و ناگهانی به عنوان اقدامات لازم انجام می‌گیرد. در آینده بازرسی مرزها تخصصی‌تر، و با سیستم انفورماتیک اجرا می‌شود. از جهانگردان عبوری از «خط سبز» یا عبور آزاد آمارگیری می‌شود و اقدامات لازم برای بازرسی قایقرانان و ناخداها که از راههای آبی داخلی - رودخانه‌ها - در رفت و آمد هستند به منظور جلوگیری از سوء استفاده و حمل مخفیانه انسان و یا کالا نیز در حال انجام است (همان، ۹۵). به‌وسیله این بازرسی‌ها حکومت‌ها همچنان به اعمال حاکمیت در محدوده سرزمینی خود ادامه می‌دهند.

۶-۵- تأمین امنیت

در عصر جهانی شدن، با توجه به معنای آن، به دلیل یکدست شدن جامعه جهانی همه مسائل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود؛ یکی از این مسائل امنیت است. به عبارت دیگر، در چنین جهانی امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه کشورهاست و برعکس؛ یعنی امنیت مفهومی متناظر، مساوی و یکسان برای کشورهاست (بصیری، ۱۳۷۹: ۱۷۱). با وجود این، در عصر جهانی شدن وضعیت سرزمین و مرز در مناطق مختلف، حتی در مناطقی که به جهان تند معروف‌اند، از روند معکوس و یا بازگشتی جهانی شدن حکایت می‌کند. نفتا نمونه مناسبی از

1. SIS= Systeme Informatique Schengen

این ادعاست. مرزهای کانادا- ایالات متحده نیز شاهد مناسبی برای توان سازوکارهای قلمروسازی همانند حکومت جهت کنترل مدیریت فضا در عصر جهانی شدن است. مرزهای هوشمند، فناوری مراقبت، ساخت دیوارهای چندلایه و نظامی شدن روزافزون مرز در مناطق شمالی ایالات متحده نشان‌دهنده عدم تطبیق واقعیت با ادعاهای جهانگرایان است؛ در حالی که این مرز در زمان جنگ و تقویت جهانی شدن، تقویت مرز و روند معکوس آن در عصر جهانی شدن مشاهده می‌شود. گویی جهانی شدن به طور دقیق به معنای تقویت مرز شده است (206: Blacksell). لکسون در مورد مرزهای ایالات متحده می‌گوید مرزهای هوشمند یکی از ابتکارات جدید جهت تسهیل تجارت و نظارت بر ترویست‌ها، سلاح‌های کشتار جمعی، داروهای قاچاق و مهاجران غیرقانونی بود. در حال حاضر، این ابتکار باعث همکاری نزدیک آمریکا، کانادا و مکزیک برای مبارزه با تروریسم شده است. اگرچه مرزهای هوشمند مربوط به ورودی‌های مرز است، این امر سبب مدیریت خوب نیز شده است؛ یعنی در عصر جهانی شدن که فناوری باعث شکوفا شدن آن شده است، به کارگیری فناوری جهت مراقبت و کنترل مرز مشاهده می‌شود. در این دنیای جهانی شده به همراه پیشرفت فناوری، نه تنها شاهد فرسوده شدن مرزها نیستیم؛ بلکه بر مبنای شواهد کنونی تقویت مرزها را نیز مشاهده می‌کنیم (میرحیدر و حیدری‌فر، ۱۳۸۶: ۲۲).

۶- تجزیه و تحلیل

۶-۱- جهانی شدن اقتصاد

اگرچه شاهد نفوذپذیری مرزهای سیاسی در برابر جریان‌های اقتصادی هستیم و وابستگی متقابل در گستره جهانی به حدی رسیده است که امکان چندانی برای اتخاذ سیاست انزوا و خودکفایی اقتصادی وجود ندارد، هنوز کشورها براساس منافع خود این جریان‌ها را تنظیم می‌کنند. درواقع پیکری منافع ملی کشورها در عرصه جهانی است که باعث واکنش به جریان بعضی کالاهای و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و تسهیل ورود بعضی کالاهای و شرکت‌های دیگر در کشور می‌شود. همچنین در بررسی مرز بین ایالات متحده و کانادا، که یکی از بازترین و بدون مانع‌ترین مرزهای جهان در برابر جریان‌های اقتصادی فرض می‌شود، جنت کگلوسکی به این



نتیجه می‌رسد که مرز بین ایالات متحده و کانادا بر جریان تجارت و قیمت‌های نسبی دو طرفه تأثیر گسترده‌ای دارد. بیشتر شواهدی که داده‌های کگلوسکی بر مبنای آن‌ها هستند، نشان نمی‌دهد که فشارهای اقتصادی مرزها در واقع کمتر از گذشته است یا نه. همچنین دلایل تأثیرات ذاتی مرزها هنوز کاملاً قابل درک نیست. درنتیجه نادرست به نظر می‌رسد که فکر کنیم پیشرفت‌های اخیر در ارتباطات مانند حمل و نقل، اینترنت و غیره مرزهای اقتصادی بین ملت‌ها را کاهش داده است. ضمن اینکه فقط آزاد کردن تجارت یا کاهش قیمت‌های حمل و نقل بین بازارهای ملت‌ها نمی‌تواند دلیل کافی برای نابودی شدن مرزها باشد. در مجموع، مرزهای ملی همچنان از اهمیت روزافزون و دیرپا برخوردارند؛ سرمایه همچنان در ساختارهای مشخص و جداگانه ملی و اجتماعی و یا سازمانی جای گرفته است؛ حکومت-ملت همچنان رسانه میان فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داخلی و فراملیتی است؛ حکومت‌ها همچنان نقش موثر خود را در شکل‌گیری جریان‌هایی که در چارچوب مرزی آن‌ها صورت می‌پذیرند، حفظ کرده‌اند.

۶-۲- جهانی شدن سیاست

کشورها هنوز هم بر اساس منافع ملی خود که برگرفته از منافع ملت‌های خود درون مرزهایشان است، تصمیم می‌گیرند. حکومت‌ها نیز در روندی روبروی افزایش در چند دهه گذشته، زمین را براساس مرزبندی‌های خود به سرزمین‌های جداگانه‌ای تقسیم کرده‌اند و می‌کنند. برای مثال، می‌توان به اعلام استقلال کوزوو و ایجاد سرزمین جداگانه و متمایز از صربستان در قرن ۲۱ اشاره کرد. همچنین در این زمینه می‌توان از اعمال حاکمیت و تأمین امنیت جداگانه از سوی حکومت‌ها یاد کرد. با وجود فرایند جهانی شدن، حکومت‌های ملی با بازتعریف کارویژه‌ها و نقش‌های خویش، همچنان در مقام یکی از بازیگران اصلی به ایفای نقش خواهند پرداخت. در سیاست حاکم بر جهان امروز، رشد و گسترش سازمان‌های بین‌المللی هرگز نشان‌دهنده ظهور حکومت واحد جهانی و حذف کامل اقتدار حاکمیت‌های مدرن ملی و بومی نیست. با وجود این استقلال عمل و تأثیرگذاری سازمان‌های فراملیتی، همچنان شاهد هستیم که این سازمان‌ها زمانی که منافع ملی و مسائل

سیاسی یک کشور در میان باشد، رنگ می‌باشد. برای مثال، کارکرد شورای امنیت سازمان ملل - که بزرگ‌ترین و معتربرترین سازمان فرامملی است - حاکی از آن است که این سازمان عملاً بازیچه کشورهای قدرتمند است و این کشورها برای منافع خود از آن استفاده می‌کنند و خود این سازمان فرامملی هیچ نوع اختیاری ندارد. هر زمان که در این سازمان از منافع ملی کشورها سخن به میان می‌آید، کشورها براساس آن تصمیم می‌گیرند. برای نمونه، حمله آمریکا به عراق و افغانستان بدون توجه به موافقت شورای امنیت نمونه‌ای از تصمیم‌گیری کشورها بر اساس منافع ملی است.

۶-۳- جهانی شدن فرهنگ

امید به شکل‌گیری فرهنگ جهانی یکدست و واحد بیهوده و ناممکن است. حتی در بسیاری از کشورها هنوز فرهنگ واحد ملی پدید نیامده است. بنابراین، شکل گرفتن فرهنگ جهانی تمام عیار ناممکن است. از سوی دیگر، انسان‌ها نگرش‌های ویژه خود را دارند و دریافت‌کننده منفعل پیام‌های جهانی نیستند و درنتیجه تمایزات را به قوت حفظ خواهند کرد. اینکه فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی همسان‌ساز است، هرگز به معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنمازی ندارند. همسان‌سازی آدم‌هایی خودخواه، منفعت‌طلب و بی‌گذشت پرورش می‌دهد. این خودمختاری با ایده جهان‌گرایی ناسازگار است. به نظر می‌رسد علت و سرمنشأ رشد انفجارگونه ملت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی شدن را به چالش می‌خواند، همین امر باشد. جدایی‌طلبی اهالی باسک در اسپانیا، سیسیل در ایتالیا، کبک در کانادا و حتی اسکاتلند در بریتانیا نشان می‌دهد حتی کشورهای مرفه نیز از این پیامد بی‌نصیب نیستند. همچنین داشتن هویت متمایز و جداگانه از دیگران یکی از ارکان اصلی و ذاتی انسان‌هاست. این هویت جداگانه خود را به شکل‌های متفاوت نمایان می‌کند. برای مثال، کشورهای عضو اتحادیه اروپا به شدت از شکل‌گیری اتحادیه در قالب فدرالی دوری می‌کنند و ترجیح می‌دهند خودشان را حداکثر به صورت کنفراسیونی با نواحی هویتی به شدت حفظ شده و متمایز پابرجا بدارند. در نتیجه در این اتحادیه بیست زبان رسمی



وجود دارد که باید تسهیلاتی برای ترجمه نوشته‌ها و سخنرانی‌ها به آن زبان‌ها در هر زمانی وجود داشته باشد.

۴- جهانی شدن امنیت

پیدایش فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است بیشتر مسائل امنیتی و زیست محیطی به صورت جهانی خودنمایی کند و کشورها در این زمینه نیازمند همکاری و مساعدت با یکدیگر شوند؛ اما جهانی شدن امنیت و پیدایش مسائل جهانی، وضعیت سرزمین و مرز را در مناطق مختلف، حتی در نقاطی که سردمدار جهانی شدن هستند، نتوانسته است دگرگون کند. برای مثال، در اروپا به محض به خطر افتادن امنیت کشورها بر اثر تب بر فکی یا جنون گاوی مقررات سختی بر عبور و مرورها اعمال می‌شود و از مرزها به شدت مراقبت می‌شود. در آمریکا نیز بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر مرزهای این کشور به شدت بازرسی می‌شود و از ورود اتباع بسیاری از کشورهای متهم به تروریسم و یا حامی آن‌ها جلوگیری می‌شود. این موارد و بسیاری دیگر نشان می‌دهد جهانی شدن و پیشرفت فناوری باعث شده است امنیت و مسائل امنیتی و زیست محیطی جنبه‌ای جهانی پیدا کند و همه کشورها را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما در این میان کشورها بیشتر با در نظر گرفتن منافع، فرهنگ و امنیت سرزمین‌های خود به این مسائل نگاه می‌کنند و امنیت و مسائل زیست محیطی کشورهای دیگر برای آن‌ها اهمیت کمتری دارد.

۵- نتیجه‌گیری

مرز به عنوان یکی از مفاهیم اساسی و مهم در جغرافیای سیاسی همیشه از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی در این رشته بوده است. از همین‌رو، با پیدایش پدیده جهانی شدن، بحث‌های زیادی درباره از میان رفتن و بی‌اهمیت شدن مرزها در علوم اجتماعی شکل گرفته است. در این مقاله، تأثیرات جهانی شدن از جنبه‌های مختلف بررسی شده است.

جهانی شدن اقتصاد قوی‌ترین و پر طرفدارترین جنبه جهانی شدن است. اما با این حال هنوز کشورها بر اساس منافع خود جریان‌های اقتصادی را تنظیم می‌کنند؛ پیگیری منافع ملی کشورها

در عرصه جهانی است که باعث واکنش به جریان بعضی کالاها و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و تسهیل ورود بعضی کالاها و شرکت‌های دیگر در کشور می‌شود؛ سرمایه همچنان در ساختارهای مشخص و جداگانه ملی و اجتماعی و یا سازمانی جای گرفته است. درباره جهانی شدن سیاست می‌توان گفت کشورها براساس منافع ملی خود که برگرفته از منافع ملت‌های خود در مرزهایشان است، تصمیم می‌گیرند؛ حکومت‌ها هم اکنون نیز در روندی رو به افزایش، زمین را براساس مرزبندی‌های خود به سرزمین‌های جداگانه‌ای تقسیم کرده‌اند و می‌کنند؛ با وجود فرایند جهانی شدن، حکومت‌های ملی با بازتعریف کارویژه‌ها و نقش‌های خویش همچنان در مقام یکی از بازیگران اصلی در چارچوب مرزهایی مشخص به ایفای نقش می‌پردازنند.

در زمینه جهانی شدن فرهنگ باید توجه داشت انسان‌ها نگرش‌های ویژه خود را دارند و دریافت‌کننده منفعل پیام‌های جهانی نیستند و درنتیجه تمایزات را به قوت حفظ می‌کنند. اینکه فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی همسان‌ساز است، هرگز به معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنابعی ندارند. این خودمختاری با ایده جهان‌گرایی ناسازگار است و علت رشد انجارگونه ملت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی شدن را به چالش می‌خواند، همین است. همچنین داشتن هویت متمایز و جداگانه از دیگران یکی از ارکان اصلی و ذاتی انسان‌هاست و این هویت جداگانه خود را به اشکال متفاوت نمایان می‌کند.

در باب جهانی شدن امنیت باید گفت پیدایش فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است بیشتر مسائل امنیتی و زیست محیطی به صورت جهانی خودنمایی کند و کشورها در این زمینه نیازمند همکاری و مساعدت با یکدیگر باشند؛ اما جهانی شدن امنیت و پیدایش مسائل جهانی، وضعیت سرزمین و مرز را در مناطق مختلف - حتی در نقاطی که سردمدار جهانی شدن هستند - نتوانسته است دگرگون کند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت اساس خلقت بر تفاوت بنا نهاده شده است و انسان‌ها در اصل موجوداتی متفاوت با یکدیگرند و به صورت فردی و جمعی (گروه قومی، ملت و...) دارای فرهنگ‌ها، باورها و اعتقاداتی متفاوت با دیگری هستند. انسان‌ها بر اساس این تفاوت‌ها



برای خود هویتی متفاوت با دیگری قائل‌اند؛ به همین دلیل برای تمایز خود از دیگری مرز را ایجاد کرده‌اند. بنابراین، ماهیت مرز از ذات متفاوت انسان‌ها منشأ می‌گیرد و تا زمانی که انسان وجود دارد، ماهیت و همه زمینه‌های تشکیل مرزها را به همراه خود خواهد داشت و این مسئله تغییرکردنی نیست. انسان‌ها این مرزها را برای تفکیک خود و برای به‌دست آوردن هویت جدایگانه و متمایز از دیگری حفظ خواهند کرد. بر اساس این، جهانی شدن در جلوه‌ها (اقتصادی، سیاسی و...) و ابزارهای متفاوت خود قادر نبوده است ماهیت مرزها را تحت تأثیر قرار دهد.

۶- منابع

- اخوان زنجانی، داریوش. (۱۳۸۱). **جهانی شدن و سیاست خارجی**. تهران: وزارت امور خارجه.
- باربر، جیمز و مایکل اسمیت. (۱۳۸۱). **ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها**. ترجمه حسین سیف‌زاده. تهران: قومس.
- بصیری، محمدعلی. (۱۳۷۹). «تحولات مفهوم امنیت ملی». **فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی**. ش ۱۶۳-۱۶۴.
- بیلیس، جان و استیو اسمیت. (۱۳۸۳). **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)**. ترجمه ابوالقاسم راهچمنی و دیگران. ج ۱. تهران: ابرار معاصر.
- پرسکات. (۱۳۵۶). **گرافیش‌های تازه در جغرافیای سیاسی**. ترجمه دره میر حیدر (مهاجرانی).
- حافظنیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). «تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان». **فصلنامه مدرس**. دوره ۱۰. ش ۲.
- (۱۳۸۱). **جغرافیای سیاسی ایران**. تهران: سمت.
- (۱۳۸۵). **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**. مشهد: پاپلی.

مدرس علوم انسانی- برنامه ریزی و آمایش فضای دوره چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

- خطابی، غلامحسین. (۱۳۷۴). *مرزبانی*. تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- درایسلد، آلسایر و جرالد اچ بلیک. (۱۳۷۴). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه دره میرحیدر. چ ۴. تهران: وزارت امور خارجه.
- رحمتی‌راد، محمدحسین. (۱۳۷۴). *مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه*. تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- فوشه، میشل. (۱۳۸۵). *جمهوری اروپا (بررسی تاریخی و جغرافیایی)*. ترجمه سید حامد رضیشی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کامران، حسن و یدالله کریمی‌پور. (۱۳۸۱). «جهانی شدن، منطقه‌گرایی و دولت- ملت‌ها». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*. ش ۴۲.
- لورو، پاسکال و فرانسوا توال. (۱۳۸۱). *کلیدهای ژئوپلیتیک*. ترجمه دکتر حسن صدوق و نینی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- مالک، محمدرضا. (۱۳۸۲). *جهانی شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- مجتبهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). «جهان سیاسی در سالی که گذشت». *ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی*. ش ۱۵۱-۱۵۲.
- (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۶۷). *جغرافیای سیاسی*. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- میرحیدر، دره. (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. چ ۸. تهران: سمت.
- میرحیدر، دره و محمدرئوف حیدری‌فر. (۱۳۸۶). «تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی شدن». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. س ۲. ش ۲.



- والتر، کنت ان. (۱۳۸۵). «جهانی شدن و حاکمیت». ترجمه فریبا مومنی. *فصلنامه تحول
همه‌جانبه اقتصاد سیاسی*. ش. ۲. تهران.
- والرشتاين، ایمانوئل. (۱۳۸۴). *سیاست و فرهنگ در نظام متتحول جهانی (زنپلیتیک و
ژنوکالچر)*. ترجمه پیروز ایزدی. چ. ۲. تهران: نشر نی.
- Camilleri, J. A. & J. Falk. (1992). *The End of Sovereignty*. London: Edvard Elgar.
- Cegłowski, Janet. (1998). *Has Globalization Created a Borderless World?* Usa. Published Business Review. March/april.
- Newman, David. (1999). *the Resilience of Territorial Conflict in an Era of
Globalization*. Israel. Beer Sheva, Israel 84105.
- Paasi, Anssi. (1996). *Territories, boundaries and consciousness*. Chichester: John Wiley and Sons.
- Rumley, Dennis and Julian V. Minghi. (1991). *the geography of Border
landscapes*. London: Routledge.